

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

اعدام و مصادره اموال، مجازات ترامپ و نتانیاهو

دکتر علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت سیزدهم، در یادداشتی با بررسی ابعاد حقوقی اقدامات منسوب به دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو، استدلال می‌کند که علاوه بر امکان رسیدگی به اتهامات آنان در مراجع بین‌المللی، محاکم داخلی ایران نیز بر اساس قوانین کیفری صلاحیت رسیدگی به این پرونده را دارند. وی با اشاره به جرایمی همچون قتل، تجاوز نظامی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و اقدام علیه امنیت ملی، این اقدامات را مشمول شدیدترین عناوین مجرمانه در حقوق ایران می‌داند. بهادری جهرمی با استناد به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، رفتارهای منتسب به ترامپ و نتانیاهو را از مصادیق «افساد فی الارض» ارزیابی کرده و تأکید می‌کند که مطابق این ماده، مجازات چنین جرمی اعدام است.

۲



امتداد خیابان تا اربعین

۲



مصادره ملت مبعوث با کارنامه تعطیلی ۵ ماهه مجلس

۲

صفحه ۴

فرهنگی

اولین اربعین بدون رهبر شهید!

صفحه ۳

سیاست خارجی

آل خلیفه؛ مهره‌ای در خدمت استکبار

حمد بن عیسی آل خلیفه از تهران خواسته به بحرین حمله نکند؛ اظهاراتی که در حالی مطرح می‌شود که منامه سال‌ها پایگاه‌های خود را در اختیار آمریکا برای اقدامات علیه ایران قرار داده است. همزیستی زمانی معنا دارد که این روند متوقف شود.

صفحه ۳

سیاست خارجی

«تا کو» در برابر مقاومت

تهدیدهای اخیر دونالد ترامپ علیه زیرساخت‌های غیرنظامی ایران، پس از آن شدت گرفته که مجموعه ابزارهای فشار، تحریم، عملیات نظامی و جنگ روانی او نتوانسته به هدف اعلامی واشنگتن یعنی وادار کردن تهران به عقب‌نشینی دست یابد.

امکان شکل‌گیری بلوک سینمایی مقاومت در منطقه

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

ملت‌های خاورمیانه با تکیه بر اشتراکات عمیق تاریخی و تهدیدهای مشترک، نیازمند زبانی واحد برای روایتگری‌اند. گذار از همکاری‌های پراکنده به یک بلوک سینمایی متحد، ضرورتی استراتژیک برای حفظ هویت و قدرت فرهنگی ماست؛ گامی عملی جهت تبدیل ظرفیت‌های منطقه به سینمایی تأثیرگذار و صنعتی که فراتر از شعار، نیازمند سیاست‌گذاری کلان است.

متن کامل در صفحه ۴

وقتی راه کربلا به میدان همبستگی ملت‌ها می‌رسد

امتداد خیابان تا اربعین

مسیر اربعینی نجف تا کربلا، همان پیام را در قالبی فراملی و جهانی به نمایش گذاشتند و نشان دادند که اربعین، امتداد همان خیابان‌هایی است که در بزنگاه‌های تاریخی به میدان دفاع از آرمان‌ها تبدیل می‌شوند.

اربعین امسال تنها یک اجتماع میلیونی مذهبی نیست؛ بلکه صحنه‌ای برای نمایش پیوند میان حضور اجتماعی ملت‌ها و فرهنگ مقاومت است. همان مردمی که ماه‌ها در خیابان‌ها از استقلال و امنیت ایران دفاع کردند، این بار در



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

تجربه اجتماعی، اکنون در اربعین ادامه یافته است.

به همین دلیل می‌توان از «امتداد خیابان در اربعین» سخن گفت. زائرانی که تا دیروز در شهرهای مختلف با حضور در اجتماعات مردمی، همبستگی خود را با ایران و ملت‌های مقاومت اعلام می‌کردند، امروز همان پیام را در مسیر نجف تا کربلا با خود حمل می‌کنند. تفاوت تنها در جغرافیا است؛ روح حاکم بر هر دو صحنه، حضور داوطلبانه مردم برای دفاع از ارزش‌هایی است که آن را فراتر از مرزهای سیاسی تعریف می‌کنند.

اربعین، بزرگ‌ترین نمونه دیپلماسی عمومی در جهان اسلام است؛ دیپلماسی‌ای که نه توسط دولت‌ها، بلکه به دست ملت‌ها شکل می‌گیرد. میلیون‌ها انسان از ملیت‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، بدون سازمان‌دهی رسمی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و شبکه‌ای از ارتباطات انسانی را ایجاد می‌کنند که آثار آن محدود به چند روز پیاده‌روی نیست. همین ویژگی باعث شده است که پیام‌های اجتماعی و سیاسی اربعین نیز از مرزهای جغرافیایی عبور کند و مخاطبان جهانی پیدا کند.

امسال این ظرفیت بیش از گذشته آشکار شد. شعارها، نمادها و فضای عمومی مسیر پیاده‌روی نشان داد که مسئله ایران، دیگر صرفاً یک موضوع داخلی تلقی نمی‌شود. بسیاری از زائران، حمایت از ایران را بخشی از دفاع از هویت مشترک

اربعین همواره فراتر از یک آیین عبادی و زیارت جمعی تعریف شده است. این اجتماع عظیم در طول سال‌های گذشته به بستری برای شکل‌گیری پیوندهای فرهنگی، اجتماعی و تمدنی میان ملت‌های مختلف تبدیل شده و هر سال ابعاد تازه‌ای از ظرفیت‌های خود را آشکار کرده است. اگر در گذشته، پیام اصلی اربعین بیش از هر چیز بروحدت امت اسلامی و احیای فرهنگ عاشورا متمرکز بود، امسال شرایط منطقه و تحولات سیاسی سبب شد تا این اجتماع عظیم، جلوه‌ای متفاوت از همبستگی ملت‌ها را نیز به نمایش بگذارد.

تحولات ماه‌های اخیر، فضای منطقه را وارد مرحله‌ای تازه کرد. تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، تنها یک رخداد امنیتی نبود، بلکه آزمونی برای سنجش میزان انسجام اجتماعی و پیوند میان ملت‌های منطقه محسوب می‌شد. در این میان، حضور مستمر مردم در تجمعات خیابانی طی ماه‌های گذشته نشان داد که خیابان، صرفاً محل اعتراض یا واکنش‌های مقطعی نیست؛ بلکه می‌تواند به عرصه‌ای برای اعلام حمایت عمومی، دفاع از استقلال کشور و نمایش اراده ملی تبدیل شود. همین

گزارش کوتاه

مصادره ملت مبعوث با کارنامه تعطیلی ۵ ماهه مجلس

روز گذشته، محمد باقر قالیباف در جلسه شورای هماهنگی مجلس، ضمن توضیحاتی مدعی شد که پس از قطعی شدن شهادت رهبر شهید انقلاب، با هماهنگی شهید لاریجانی، مقدمات حضور مردمی امت مبعوث شده در خیابان‌ها را برنامه‌ریزی کرده است. قالیباف در بخشی از اظهارات خود گفت: «ما به همراه شش نفر تصمیم گرفتیم که زمان اعلام شهادت رهبر انقلاب را مشخص کنیم؛ بر این اساس، مقرر شد خبر شهادت ساعت ۸ صبح اعلام شود. اما پس از آنکه رسانه‌های خارج از کشور زودتر خبر شهادت را منتشر کردند، در ساعت ۱ با مصاد با شهید لاریجانی تصمیم گرفتیم زمان اعلام را به هنگام سحر تغییر دهیم و همزمان از مردم بخواهیم که برای حضور در خیابان‌ها به صحنه بیایند.» قالیباف در بخشی دیگر از اظهارات خود آورده است: «در صورت تعلل در خصوص این تصمیم‌گیری؛ ممکن بود در بحث خیابان اتفاقات دیگری رقم بخورد»

این اظهارات در حالی مطرح شد که مردم مبعوث شده ایران در پی فرمان تاریخی رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای تاکنون در جبهه‌های خیابان سنگربانی کرده‌اند. از جمله اینکه ایشان در نخستین پیامشان فرموده بودند: «از جمله هنرهای رهبر شهید و سلف کبیر ایشان، وارد کردن مردم در همه‌ی عرصه‌ها و بصیرت و آگاهی دادن مستمر به ایشان، و در مقام عمل تکیه بر نیروی آنان بود. ایشان این‌طور معنای حقیقی جمهوریت را فعلیت بخشیدند و از عمق جان هم به آن معتقد بودند. اثر واضح این مطلب در این چند روزی که کشور بدون رهبر و بدون فرمانده کل قوا بود، دیده شد. بصیرت و هوشمندی ملت بزرگ ایران در واقعه‌ی اخیر و پایداری و شجاعت و حضورش، دوست را به تحسین و دشمن را به حیرت واداشت. این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید.»

ایشان در بخشی دیگری از پیامشان خطاب به ملت مبعوث شده، فرمودند: «باید حضور مؤثر در صحنه حفظ شود؛ چه به صورتی که در این روزها و شبهای جنگ از خود نشان دادید، و چه به صورت انواع نقش‌آفرینی‌های مؤثر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، تربیتی، فرهنگی و حتی امنیتی.»

همچنین رهبر شهید انقلاب در ۱۲ بهمن ۱۴۰۴ فرموده بودند: «اگر چنانچه حادثه‌ای برای این مرز و بوم پیش بیاید، خدای متعال همین مردم را مبعوث خواهد کرد. مردمی که امشب در شهرگرد فریاد زدند، مردمی که خواب را بر خود حرام کرده‌اند، مردمی که دل به دریای غیرت زده‌اند، منتظر حادثه نیستند، اما اگر حادثه بیاید، با تمام وجود ایستادگی می‌کنند.» بنابراین به نظر میرسد مصادره حضور مردم مبعوث شده ایران از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی، که بیش از ۱۵۰ روز در خیابان‌ها حضور دارند و اتفاقاً یکی از مطالبات این مردم در طی این مدت بازگشایی صحن تعطیل مجلس بوده است، اقدام درستی به نظر نمی‌رسد. به تعبیری دیگر رئیس مجلس با کارنامه ۵ ماه تعطیلی مجلس، چگونه می‌تواند خود را یکی از عوامل حضور ۵ ماهه مردمی در خیابان‌ها معرفی کند؟!

جهان اسلام و مقابله با فشارهای خارجی می‌دانستند. این همراهی، نشان داد که سرمایه اجتماعی شکل گرفته در سال‌های گذشته، امروز به سرمایه‌ای فراملی تبدیل شده است.

در چنین شرایطی، اربعین را باید آیینی‌ای از قدرت نرم ملت‌ها دانست؛ قدرتی که نه بر پایه ابزارهای نظامی، بلکه بر اساس سرمایه انسانی، باورهای مشترک و مشارکت مردمی شکل می‌گیرد. هنگامی که میلیون‌ها نفر بدون اجبار و با انگیزه‌های اعتقادی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، تصویری از ظرفیت تمدنی جهان اسلام به نمایش گذاشته می‌شود که فراتر از محاسبات متعارف سیاسی است.

اربعین امسال، بیش از هر زمان دیگری نشان داد که راه کربلا تنها مسیر یک زیارت نیست؛ بلکه امتداد همان خیابان‌هایی است که مردم در آن از هویت، استقلال و آرمان‌های خود دفاع می‌کنند. اگر خیابان، نماد حضور ملت در لحظه‌های حساس است، اربعین نیز تجلی جهانی همان حضور در مقیاسی فراملی است؛ حضوری که از مرزها عبور می‌کند، ملت‌ها را به یکدیگر پیوند می‌زند و پیام همبستگی، مقاومت و مشارکت اجتماعی را به جهان مخابره می‌کند. از این منظر، اربعین نه پایان یک راه، بلکه ادامه مسیری است که از خیابان‌های شهرها آغاز می‌شود و در جاده‌های منتهی به کربلا، معنایی جهانی پیدا می‌کند.

حقوق

اعدام و مصادره اموال، مجازات ترامپ و نتانیاهو

دکتر علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت سیزدهم، در یادداشتی با بررسی ابعاد حقوقی اقدامات منسوب به دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو، استدلال می‌کند که علاوه بر امکان رسیدگی به اتهامات آنان در مراجع بین‌المللی، محاکم داخلی ایران نیز بر اساس قوانین کیفری صلاحیت رسیدگی به این پرونده را دارند. وی با اشاره به جرایمی همچون قتل، تجاوز نظامی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و اقدام علیه امنیت ملی، این اقدامات را مشمول شدیدترین عناوین مجرمانه در حقوق ایران می‌داند.

بهادری جهرمی با استناد به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، رفتارهای منتسب به ترامپ و نتانیاهو را از مصادیق «افساد فی الارض» ارزیابی کرده و تأکید می‌کند که مطابق این ماده، مجازات چنین جرمی اعدام است. او همچنین با اشاره به ماده ۵۱۵ قانون مجازات اسلامی، سوء قصد به جان رهبر یا مقامات عالی کشور را نیز از جرایمی می‌داند که می‌تواند تا عنوان مجاریه و مجازات اعدام پیش برود.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در ادامه به قانون «اتشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» مصوب ۱۴۰۴ استناد کرده و می‌نویسد که بر اساس مواد مختلف این قانون، هرگونه همکاری عملیاتی، نظامی، امنیتی، اقتصادی، مالی یا فناوریانه با دولت‌های متخاصم، علاوه بر مجازات اعدام، مستوجب مصادره کلیه اموال نیز خواهد بود. به گفته وی، این حکم نه تنها شامل ترامپ و نتانیاهو، بلکه معاونان، فرماندهان نظامی، مقامات سیاسی و سایر همکاران آنها نیز می‌شود و رسیدگی به این پرونده‌ها باید در شعب ویژه و خارج از نوبت انجام گیرد.





باور کرده و پیش از وقوع بحران، از مواضع خود عقب‌نشینی کند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بازدارندگی، کاهش اثرگذاری جنگ روانی و جلوگیری از تبدیل تهدید به ابزار امتیازگیری سیاسی است. در منطق «چیکن گیم»، هرچه یک طرف احتمال عقب‌نشینی خود را کمتر نشان دهد، محاسبات طرف مقابل نیز تغییر خواهد کرد. بر این اساس، باید ابزار تهدید جنگ زیرساختی علیه ایران و هرگونه تلقی مبنی بر اینکه مسئولان کشور از این موضوع ترسی دارند، یکسره از میان برداشته شود. در این مدل‌سازی رفتاری، برنده کسی است که در دوئل شاخ‌به‌شاخ خودرو فرمان رانمی‌چرخاند و تا آخرین لحظه مسیر مستقیم را حفظ می‌کند. ترامپ که به «تاگو» بودن و عقب‌نشینی در لحظه نهایی معروف است، دقیقاً در همین نقطه ضعف ساختاری خود گرفتار آمده است. راز تثبیت پیروزی تاریخی ایران در این نبرد آن است که مهم‌تر از همه، با اعلام قاطع مقابله به مثل سنگین در برابر هرگونه جنگ زیرساختی و نیز حرکت جدی به سوی تغییر دکترین هسته‌ای تحقق می‌یابد؛ تنها با چنین اراده‌ای می‌توان معادله را به نفع مقاومت تغییر داد و طرف مقابل را وادار به عقب‌نشینی کرد.

با افزایش فشار، تهران در نهایت مسیر خود را تغییر خواهد داد؛ اما به اذعان خود او در روزهای گذشته، ایران برخلاف برخی کشورها حاضر به پذیرش خواسته‌های واشنگتن نشده و بر مواضع خود پافشاری کرده است. همین مسئله باعث شده کاخ سفید در وضعیت سردرگمی قرار گیرد؛ زیرا محاسبات اولیه آن درباره تأثیر فشار حداکثری با واقعیت‌های میدان منطبق نبوده است.

نکته قابل توجه آن است که در فضای سیاسی آمریکا، مخالفان ترامپ سال‌هاست از لقب (TACO) که مخفف عبارت Trump Always Chickens Out (ترامپ همیشه کنار میکشه) است، برای توصیف رفتار او استفاده می‌کنند؛ کنایه‌ای که بر این برداشت استوار است که ترامپ در بسیاری از رویارویی‌های پرهزینه، در نهایت از مواضع حداکثری اولیه خود عقب‌نشینی می‌کند. رواج چنین لقبی نشان می‌دهد حتی در فضای داخلی آمریکا نیز بخشی از تحلیل‌گران معتقدند راهبرد او بر پایه فشار روانی و تهدید بنا شده و نه الزاماً ورود به پرهزینه‌ترین سناریوها.

از این منظر، تهدید به جنگ زیرساختی زمانی می‌تواند اثرگذار باشد که طرف مقابل آن را

چرا ترامپ در بازی «چیکن گیم» مقابل ایران بازنده است؟

«تاگو» در برابر مقاومت

دست یابد. این تهدیدها بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، بیانگر گرفتار شدن کاخ سفید در بن‌بست راهبردی است؛ وضعیتی که می‌توان آن را با الگوی «چیکن گیم» در نظریه بازی‌ها تحلیل کرد.

به دلیل ورود این کشور به جنگی که به اعتقاد شمار زیادی از تحلیلگران و مقامات پیشین آمریکایی، از جمله لئون پانتا وزیر جنگ اسبق آمریکا و رئیس اسبق سیا، دستاورد راهبردی روشنی برای واشنگتن نداشته است، با فشارهای سیاسی قابل توجهی مواجه شده است. با این حال، ترامپ همچنان این اقدام حماقت بار خود را نشانه جسارت خود معرفی می‌کند و مدعی است کاری را انجام داده که هیچکدام از رؤسای جمهور پیشین آمریکا حتی بوش و ریگان نیز از ورود به آن پرهیز داشتند.

برای فهم رفتار کنونی واشنگتن، نظریه بازی‌ها چارچوب تحلیلی قابل توجهی ارائه می‌دهد. یکی از مشهورترین الگوهای این حوزه، «چیکن گیم» یا بازی جوجه است. در این مدل، دو راننده با سرعت به سمت یکدیگر حرکت می‌کنند. هر کدام که زودتر مسیر خود را تغییر دهد، بازنده تلقی می‌شود و کسی که تا آخرین لحظه عقب‌نشینی نکند، دست بالا را به دست می‌آورد؛ هرچند اگر هیچ‌کدام کنار نکشند، احتمال برخورد و خسارت برای هر دو وجود خواهد داشت. بسیاری از پژوهشگران روابط بین‌الملل، و رویارویی کشورها را با همین الگو تحلیل می‌کنند. رفتار آمریکا و ایران نیز در ماه‌های اخیر شباهت‌هایی با این مدل پیدا کرده است. ترامپ بارها تصور کرده است که

تهدیدهای اخیر دونالد ترامپ علیه زیرساخت‌های غیرنظامی ایران، پس از آن شدت گرفته که مجموعه ابزارهای فشار، تحریم، عملیات نظامی و جنگ روانی او نتوانسته به هدف اعلامی واشنگتن یعنی وادار کردن تهران به عقب‌نشینی

محسن فرهنگند

روزنامه‌نگار

در ماه‌های اخیر، با ناکام ماندن مجموعه کارت‌های بازی دولت ترامپ علیه ایران، وی به‌طور فزاینده‌ای به ادبیات تهدید به جنگ زیرساختی و بالاتر رفتن از پلکان تنش متوسل شده است. استفاده از عباراتی همچون «نابودی تمدن»، «نابودی کشور» و تهدید به حمله گسترده علیه زیرساخت‌های ایران، صرف‌نظر از پیامدهای حقوقی آن، نشان‌دهنده تلاش برای تبدیل شکست به پیروزی از طریق تشدید تنش است. بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهدید یا هدف قرار دادن عامدانه زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامیان مصداق جنایت جنگی است. واقعیت آن است که ترامپ پس از آنکه ابزارهای مختلف فشار، از تحریم‌های اقتصادی گرفته تا اقدامات سیاسی و نهایتاً جنگ نتوانستند نتیجه مطلوب او را به همراه داشته باشند، تلاش می‌کند با بالا بردن نردبان تنش، ایران را به این جمع‌بندی برساند که هزینه ادامه مقاومت بیش از هزینه عقب‌نشینی است.

ترامپ در میان رؤسای جمهور آمریکا نیز جایگاهی خاصی پیدا کرده است. بسیاری از منتقدان در آمریکا او را به دلیل رویکردهای تهاجمی و بی‌اعتنایی به پیامدها مورد انتقاد قرار داده‌اند. هم‌زمان، او در داخل آمریکا نیز

اظهارات سخیف دست‌نشانده بحرین نشان می‌دهد که باید راهبرد ایران در ارتباط با منامه تغییر کند

آل خلیفه؛ مهره‌ای در خدمت استکبار

حاکم دست‌نشانده بحرین، حمد بن عیسی آل خلیفه، با اظهاراتی مضحک و دست به دامن اسلام شده و از تهران خواسته تا به منامه حمله نکند! این یاهوگویی در حالی است که پادشاه نامشروع بحرین خاک جداشده ایرانی را که ملت ایران خواستار بازگشت آن به مام میهن هستند را سال‌ها در اختیار پایگاه‌های آمریکایی قرار داده تا علیه ملت ایران، کودکان میناب و زیرساخت‌های حیاتی کشور عملیات کنند. همزیستی و حسن همجواری که این مهره غرب از آن دم می‌زند، فقط زمانی معنا دارد که دست از خیانت بردارد.

بحرین استفاده کرد، موضع رسمی تهران را اعلام نمود: «جمهوری اسلامی ایران همواره بر اصل حسن همجواری و روابط برادرانه میان ملت‌های اسلامی تأکید ورزیده است؛ حتی در تعامل با حکومتی نوپا که بر بخشی جداشده از خاک ایران حکم می‌راند.» کاربران شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در خارج از کشور نیز این ادعا را به شدت مورد انتقاد قرار دادند. بسیاری با اشاره به حضور پایگاه‌های نظامی آمریکا در بحرین و روابط منامه با واشنگتن و رژیم صهیونیستی، نوشتند که کشوری که خاک خود را در اختیار آمریکا برای حمله به ایران قرار داده، نمی‌تواند دیگران را به خویشتنداری دعوت کند. برخی کاربران صراحتاً اعلام کردند که اگر بحرین خواهان جلوگیری از تنش با ایران است، باید اجازه استفاده از خاک و حریم هوایی خود برای عملیات علیه تهران را ندهد.

واقعیت این است که رژیم آل خلیفه سال‌هاست در صف دشمنان ملت ایران و بحرین ایستاده و با میزبانی از نیروهای متجاوز، عملاً در جنگ ناعادلانه علیه کشورمان مشارکت داشته است. اظهارات اخیر حاکم بحرین، نه از سر دلسوزی برای اسلام و همسایگی، بلکه از ترس پاسخ ایران و فشار افکار عمومی برخاسته است.

نگاه می‌کرد. او نه تنها به همسایه مسلمان خود آسیب رسانده، بلکه مردم خود را در زندان‌ها حبس کرده، تابعیت‌شان را لغو نموده و هر صدای اعتراض را خفه کرده است. از اسلامی که دم می‌زند، ذره‌ای در رفتارش دیده نمی‌شود. زندان‌های بحرین پر از فعالان شیعه است. شهروندانی که به جرم اعتراض بی‌تابیت می‌شوند. این همان «برادری اسلامی» است که آل خلیفه از آن سخن می‌گوید؟

مردم ایران همچنان به سرزمین جداشده از خاکشان، تعلق خاطر عمیق و تاریخی دارند و با آغوش باز پذیرای انضمام مجدد آن به مام میهن هستند. خاک جداشده‌ای که اگر دست‌نشانده آل خلیفه بخواهد بیش از این با سیاست‌های تجاوزکارانه آمریکا همراهی کند و خاک ایران را مورد هدف قرار دهد، ممکن است به همت ملت شیعه و جوانمرد بحرین و پذیرش قاطع ایران، هرچه زودتر به آغوش کشور بازگردد. فارغ از اینکه این موضوع در افکار عمومی ایران حتی اینطور گفته می‌شود که حاکمیت ایران باید با مردم بحرین برای برگرداندن این خاک به کشور همراهی و کمک کند.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز در پاسخی که برای نخستین بار از تعبیر «خاک جداشده ایران» برای



می‌زند، زمانی معنا دارد که آن خاک مقدس ایرانی را که سال‌هاست با دست‌نشانده‌گی غرب مدیریت می‌کند، در اختیار پایگاه‌های آمریکایی برای حمله به ایران قرار ندهد.

حسن همجواری یعنی عدم همراهی با آمریکادر هدف قرار دادن غیرنظامیان و خاک کشور همسایه. کاری که رژیم بحرین نه تنها انجام نداد، بلکه با سکوت و همکاری عملی، در آن مشارکت داشت. ایران اما با وجود آنکه این سرزمین جداشده همچنان ملت شیعه و غیور خود را در دل دارد، به نحو احسن با آن برخورد کرده است. در جنگ ناعادلانه آمریکا علیه ایران، تهران این مردم را از زیرساخت‌های حیاتی محروم نکرد، بلکه زیرساخت‌های نظامی آمریکا را هدف قرار داد. این رفتار، نشان‌دهنده پابندی واقعی به اصول اسلامی و انسانی است، چیزی که آل خلیفه هیچ‌گاه به آن نزدیک نشده است.

حاکم بحرین بهتر بود به جای سخن گفتن از اسلامی که هیچ‌گاه آن را اجرا نکرده، کمی به خود

محسن فرهنگند

روزنامه‌نگار

حاکم بحرین، که سال‌هاست بر بخشی از خاک جداشده ایران حکم می‌راند و ملت شیعه و جوانمرد آن سرزمین را زیر یوغ ستم نگه داشته، اخیراً در سخنانی خطاب به ایران، با لحنی گستاخانه و سخیف ایران را به حفظ حسن همجواری دعوت کرد! این اظهارات، که بوی تملق به قدرت‌های استکباری و فریب افکار عمومی می‌دهد، بیش از هر چیز نشان‌دهنده عمق وابستگی و دست‌نشانده‌گی رژیم آل خلیفه است. حمد بن عیسی که خود را پادشاه می‌خواند، در حالی از پیامبر (ص) و برادری اسلامی سخن می‌گوید که خاک بحرین را به پایگاه‌های نظامی آمریکا تبدیل کرده و حریم هوایی و دریایی آن را در اختیار نیروهای متجاوز قرار داده تا علیه ایران عملیات کنند. همزیستی و حسن همجواری که این مهره آمریکا از آن حرف

امکان شکل‌گیری بلوک سینمایی مقاومت در منطقه

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

ملت‌های خاورمیانه با تکیه بر اشتراکات عمیق تاریخی و تهدیدهای مشترک، نیازمند زبانی واحد برای روایتگری‌اند. گذار از همکاری‌های پراکنده به یک بلوک سینمایی متحد، ضرورتی استراتژیک برای حفظ هویت و قدرت فرهنگی ماست؛ گامی عملی جهت تبدیل ظرفیت‌های منطقه به سینمایی تأثیرگذار و صنعتی که فراتر از شعار، نیازمند سیاست‌گذاری کلان است.

پایه‌گذاری یک بلوک سینمایی مشترک در خاورمیانه از سه جهت حائز اهمیت است: نخست، سرشکن کردن هزینه‌های سنگین تولید آثار سینمایی است. ساخت پروژه‌های تاریخی یا جنگی نیازمند بودجه‌های هنگفت، تجهیزات فنی پیشرفته و لوکیشن‌های وسیع است. با اشتراک‌گذاری منابع مالی و فنی میان چند کشور، بار مالی پروژه‌ها کاهش یافته و امکان ارتقای کیفیت بصری فراهم می‌شود.

دوم، دسترسی به یک بازار مصرفی گسترده‌تر با صدها میلیون مخاطب بالقوه است. فیلمی که با استانداردهای مشترک و با حضور بازیگران سرشناس از کشورهای مختلف ساخته شود، پتانسیل اکران موفق در تهران، بغداد، بیروت و ... را خواهد داشت. این موضوع توجیه‌پذیری اقتصادی پروژه‌ها را بهبود می‌بخشد.

سوم، توانمندی در تقابل رسانه‌ای است. امروزه کنترل افکار عمومی جهان از طریق الگوریتم‌های پخش آنلاین و انحصارهای رسانه‌ای انجام می‌شود. بدون داشتن یک جبهه متحد سینمایی، روایت‌های بومی ملت‌ها در میان حجم عظیم تولیدات هالیوودی نادیده گرفته خواهند شد. این بلوک می‌تواند به عنوان سپری فرهنگی عمل کند و امکان بازگو کردن روایت‌های مستقل را برای فیلم‌سازان منطقه فراهم آورد.

شکل‌گیری این تشکل نیازمند اقدامات عملی است. برگزاری نشست‌های تخصصی میان صنوف سینمایی، راه‌اندازی بازارهای فیلم مشترک در حاشیه جشنواره‌های منطقه‌ای، تدوین قوانین حمایتی برای تسهیل تردد عوامل فنی و بازیگران، و ایجاد پلتفرم‌های توزیع اینترنتی با ترجمه و دوبله هم‌زمان، قدم‌های اولیه در این مسیر به شمار می‌روند. همکاری‌های سینمایی باید از حالت پروژه‌های پراکنده به یک همکاری صنعتی پایدار ارتقا یابند تا بتوانند تغییراتی اساسی در موازنه قدرت رسانه‌ای منطقه ایجاد کنند.

بنابراین، تشکیل بلوک سینمایی مقاومت گزینه‌ای لوکس یا صرفاً سیاسی نیست. این اقدام پاسخی حیاتی به نیازهای هویتی، اخلاقی و اقتصادی ملت‌های خاورمیانه است. پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی موجود، زیربنای محکمی برای این سازه فراهم کرده‌اند. با اتخاذ سیاست‌گذاری‌های واقع‌بینانه و سرمایه‌گذاری در بخش‌های توزیع و تولید مشترک، می‌توان این ظرفیت‌های نهفته را فعال کرد و سینمای مقاومت را به عنوان یک قدرت فرهنگی در مناسبات بین‌المللی تثبیت نمود.

اکران آنلاین فیلم «صدسال به این سال‌ها» بعد از ۱۹ سال حاصل یک رویکرد و تصمیم طبیعی نیست

یتیم‌خانه ایران‌شهر

فیلم «صدسال به این سال‌ها» پس از نزدیک به ۱۹ سال نه‌تنها اجازه انتشار یافت بلکه در اولین قدم وارد چرخه اکران آنلاین شد تا مخاطبان بیشتری از حالت عادی به دست بیاورد. این روش هوشمندانه‌ای برای بازخوانی اثر است، اما نیت دست‌اندرکاران این فیلم و مجوزدهندگان به آن را به‌تنهایی روشن نمی‌کند. «سامان مقدم» بعد از فیلم مضمون‌زده و تاریخ‌مصرف گذشته «پارتی» پروژه‌ای



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

صدسال به این سال‌ها به سبک وسایق تمام فیلم‌های استعاره‌ای و نمادین در سینمای پیش و پس از انقلاب قصد دارد با وصله‌پینه کردن تمام زشتی‌ها و سیاهی‌ها به «دیگری» ای‌که از مخالفش می‌سازد خود را در سمت درست تاریخی که به آن باور دارد معرفی کند. حرف حساب سامان مقدم در این فیلم آنقدر واضح است که نمی‌توان با فروکاستن ماجرا به روایت داستان زندگی یک زن در طول ۳۰ سال، یعنی درست از زمان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا ابتدای دولت نهم، خود را پشت نقاب مظلوم‌نمایی به‌خاطر توقیف فیلم پنهان کرد و هر نقد و نظری را با برچسب حمله و دفاع از سانسور و ممیزی در نطفه خفه کرد. فیلم با زبانی آکنده از استعاره نه‌تنها ضد مردم است، بلکه این پیام را به مخاطبان‌ش انتقال می‌دهد که مادر حال دوستی با دنیا و اهدای گل به این و آن بودیم که انقلاب از راه رسید و زندگی را برای‌مان تبدیل به زهر کرد! صدسال به این سال‌ها راوی داستان خانواده‌ای مرفه است.

شوهر سروگوشش می‌جنبید و زیرزیرکی با زنی محلی رابطه برقرار می‌کند. زن عقدی و پسر حلال‌زاده او معصوم از هر گناهی هستند و دوست خانوادگی آن‌ها که لب به الکل نمی‌زند و ظاهر موجهی هم دارد یک انقلابی دوآتشه است که درنهایت مسبب اصلی تمام مصائب قلمداد می‌شود و همه کاسه‌کوزه‌ها از طرف جناب مقدم سر او می‌شکنند.

اثر در ناخودآگاهش علی‌رغم اینکه در

را با صدسال به این سال‌ها آغاز کرد که اگر توقیف به دادش نمی‌رسید او دیگر نمی‌توانست بدون دردسر در سینما، تلویزیون و شبکه نمایش خانگی به کارش ادامه دهد! اما این فیلم چه می‌گفت که سال‌ها به‌درستی در کسب مجوزهای موردنیاز به‌شکلی گسترده در فضای مجازی در حال دست‌به‌دست شدن است؟



پایان‌بندی، نگاه منفی خود به شخصیت به اصطلاح انقلابی، با آن نصیحت‌های باسمه‌ای به نطفه حرام دوست عرق‌خور و به قتل رسیده‌اش را تغییر می‌دهد، اما درنهایت سمت اعلیحضرت همایونی و طبقه باسوادی که نسبتی با انقلاب برقرار نمی‌کردند غش می‌کند؛ در حالیکه دروغ هیچ‌وقت فرم نمی‌گیرد و از بذر می‌خوارگی و زنبارگی «ایمان» سبز نمی‌شود.

به عبارت دیگر، ایده ناظر حاکم بر فیلم‌نامه صدسال به این سال‌ها این است که از ایران، اسلام‌زدایی و انقلاب‌زدایی کند و آن را دشمن هر شکل از زندگی عادی و نرمال نشان دهد؛ دقیقاً همان پروژه‌ای که در حال حاضر با قدرت و شدت بسیار در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، برنامه‌های گفت‌وگو محور اهالی فاقد بینش علوم انسانی و پلتفرم‌ها پیگیری می‌شود و قصد و اراده‌ای هم برای جلوگیری از انتشار چنین محتواهایی دیده نمی‌شود. اسم شخصیتی که «فاطمه معتمدآریا» نقش آن را بازی می‌کند «ایران» انتخاب شده تا شاهد تمام بلاهایی که انقلاب بر سر این کشور آورده باشد.

این از کج سلیقتی، بدفهمی و لزوما بیسوادی کارگردان «نهنگ عنبر» نسبت به ظرفیت سینما نیست. او خوب می‌داند که فیلم‌ساختن با زبانی آکنده از کنایه و تمثیل به دلیل پرهیز از نفوذ به عمق روان سوژه و اشاره سطحی به شرایط بیرونی از عمر اثر کم می‌کند، اما این فیلم را با آگاهی نسبت به توقیف تولید می‌کند تا به وقت لزوم ماهی‌اش را از آب گل‌آلود بگیرد و مقاطعه‌کار خوبی برای کارفرمایش باشد.

یک فیلم-کنسرت منحصر به فرد طراحی شده است، مروری بر شاخص‌ترین و ماندگارترین آثار سینمایی این هنرمند بزرگوار خواهد بود. استاد انتظامی که خالق موسیقی متن فیلم‌های جاودانه‌ای همچون روز واقعه، سرزمین خورشید، بوی پیراهن یوسف، بازمانده و از کرخه تا راین است، در این شب خاطره‌انگیز، قطعات برگزیده خود را با همراهی ارکستر خصوصی ایستگاه روی صحنه می‌برد.

این اجرای باشکوه، فرصتی استثنایی برای جامعه پزشکی کشور فراهم می‌کند تا در فضایی سرشار از هنر و احساس، لحظاتی دلنشین را در کنار شاهکارهای موسیقایی یکی از افتخارات فرهنگ و هنر ایران زمین تجربه کنند و خستگی سال‌ها خدمت صادقانه را از تن به در کنند. بی‌شک این اجرای باشکوه، هدیه‌ای ارزشمند برای تمامی تلاشگران عرصه سلامت است که با ایثار و فداکاری، ضامن تندرستی و آرامش هستند.



برج میلاد میزبان رویدادی ماندگار برای قدردانی از فرشتگان نجات است. پنجم شهریورماه، همزمان با بزرگداشت روز ملی پزشک و داروساز، کنسرتی ویژه به همت مجید انتظامی، از چهره‌های جریان اصلی موسیقی ایران، در این مجموعه فرهنگی برگزار می‌گردد. این برنامه که در قالب

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ آدرس: خ سه‌پهید قرنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۰۴

یادداشت

اولین اربعین بدون رهبر شهید!

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

اربعین هر سال، آینه تحولات جهان تشیع است. هر حادثه بزرگ سیاسی یا امنیتی، دیر یا زود خود را در مسیر نجف تا کربلا نشان می‌دهد؛ همان‌گونه که این راهپیمایی روزی تحت تأثیر شهادت معمار امنیت آن، شهید حاج قاسم سلیمانی، قرار گرفت، امسال نیز تحت تأثیر فقدان رهبر شهید انقلاب برگزار می‌شود. امروز در شعارها، نوحه‌ها و نمادهایی که میلیون‌ها زائر بردوش می‌کشند، خون‌خواهی رهبر شهید انقلاب نقشی برجسته دارد. اگر سال‌های گذشته تصاویر فرماندهان مقاومت و پرچم‌های حمایت از فلسطین مهم‌ترین نشانه‌های این راهپیمایی بودند، امسال پرچم‌های سرخ خون‌خواهی رهبر شهید به شاخص‌ترین تصویر مسیر تبدیل شده‌اند.

همچنین، نخستین اربعین پس از انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به رهبری جمهوری اسلامی نیز اهمیت ویژه‌ای یافته است. مشاهدات عینی از استقبال گسترده شیعیان عراق از رهبری جدید حکایت دارد و این همراهی را امتداد همان رابطه‌ای نشان می‌دهد که طی سال‌های گذشته میان بخشی از جامعه شیعه عراق و رهبر شهید شکل گرفته بود. برجسته‌شدن این موضوع در فضای اربعین، خود نشانه‌ای از پیوند خوردن هرچه بیشتر این آیین مذهبی با تحولات سیاسی منطقه است. در کنار این تحولات، اربعین همچنان بزرگ‌ترین اجتماع سالانه مذهبی جهان باقی مانده است و نسبت به سال‌های گذشته نیز ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است؛ با این تفاوت که امسال، حافظه جنگ نیز به حافظه اربعین اضافه شده است. اربعین امسال را نمی‌توان صرفاً در یک آیین زیارتی خلاصه کرد. این راهپیمایی به صحنه تلاقی دو روایت تبدیل شده است؛ روایت عاشورا و روایت جنگ اخیر. همان‌گونه که شهادت سیدالشهدا علیه‌السلام برای شیعیان و دلدادگان آن حضرت صرفاً یک واقعه تاریخی نیست و با ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار پیوندی عمیق دارد و مبدأ یک جریان مستمر حق طلبی تلقی می‌شود، شهادت رهبر انقلاب نیز برای بسیاری از زائران و میزبانان عراقی در امتداد همین منظومه معنایی تعریف شده است. از همین رو، پرچم‌های سرخ خون‌خواهی، تصاویر رهبر شهید و رهبر جدید جمهوری اسلامی در کنار شعارهای ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی، بیش از هر زمان دیگری در متن راهپیمایی حضور دارند و نشان می‌دهند اربعین در امتداد قیام حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام قرار دارد.

شاید به همین دلیل باشد که تصویر ماندگار اربعین ۱۴۰۵ نه فقط دریای جمعیتی است که از نجف تا کربلا در حرکت‌اند و نه سفره‌های بی‌پایان موک‌ها؛ بلکه پرچم‌های سرخی است که در کنار بیرق‌های سیاه بر فراز مسیر پیاده‌روی به اهتزاز درآمده‌اند. پرچم‌هایی که بیعتی دوباره با آرمان مقاومت‌اند و این باور را یادآوری می‌کنند که از کربلای سال ۶۱ هجری تا تحولات امروز منطقه، خون شهید پایان یک مسیر نیست، بلکه آغاز مسئولیتی تازه برای ادامه همان راه است؛ راهی که خون‌خواهی رهبر شهید را امتداد خون‌خواهی سیدالشهدا علیه‌السلام می‌داند و فرجام آن را در تحقق وعده الهی به دست حضرت ولی عصر عجل‌للقالی فرجه الشریف جست‌وجو می‌کند.